

روایت اسرائیلی‌ها از ترور شهید عماد مغنیه

# توطئه حذف «حاج رضوان» از زبان موساد

دو سال پیش از ترور عماد مغنیه، خبرهایی در رسانه‌های آمریکایی مبنی بر افزایش تلاش‌های سیا برای کشتن او منتشر شد. این فرمانده لبنانی مقاومت اسلامی، بیش از ۲۵ سال تحت تعقیب دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای آمریکایی بود و آمریکایی‌ها در دهه ۸۰ با آنکه تحت تعقیبشان بود، به او دست پیدا نکردند. یکی از مطبوعات غربی هم نوشته بود تل‌آویو اواخر دهه ۸۰ بارها سعی کرد مغنیه را نابود کند. اما هرچه اطلاعات بیشتری جمع می‌کرد، دسترسی به او سخت‌تر می‌شد؛ چون نقطه ضعفی که اسرائیل بتواند از آن استفاده کند نداشت؛ به این معنی که مغنیه نه مشروب می‌خورد، نه اهل ارتباط با زن‌ها بود و نه مواد مخدر مصرف می‌کرد.

بزرگ که بعداً می‌شد داخل آن بمب کار گذاشت و وقتی مغنیه نزدیکش بود، منفجرش کرد. اما داگان همه این طرح‌ها را رد کرد. چون «موساد هنوز آماده نبود». (صفحه ۱۴۶)

## اسرائیل با نفوذ به سپاه و حزب‌الله به مغنیه نزدیک‌تر می‌شود

بیشرفت غیرمنتظره در این مسئله با یافشاری‌های «هارون زیوی فرخاش» در سازمان آمان میسر شد. او فرمانده باسابقه واحد ۸۲۰۰ بود که روش‌های جاسوسی الکترونیک را می‌شناخت. او و موساد مثير داگان کنار هم سیستم عملیاتی هیوگینت را ابداع کردند که به رهگیری پیام‌هایی که از طرف یا برای دشمن ارسال می‌شد مربوط بود. در ادامه یوسی کوهن رئیس بعدی موساد از افراد بسیار معدودی که تصمیم گرفتند به بدنه سپاه پاسداران و حزب‌الله نفوذ کنند و از آن‌ها جاسوس استخدام کنند، وارد این پرونده شد. او پیشنهاد داد با پوشش بازرگانان اروپایی برای جذب جاسوس اقدام شود و به واسطه همین پیشنهادها و دستاوردهایش جایزه امنیتی اسرائیل را دریافت کرد.

سال ۲۰۰۴ بود که داگان، کوهن را برای فرماندهی عملیات‌های مربوط به ایران در موساد نامزد کرد. رونین برگمن روایت می‌کند کوهن موفق شد به بخشی از سیستم‌های ارتباطی حکومت ایران نفوذ کند. همین مسئله سبب شد اطلاعات بیشتری درباره مغنیه فراهم شود.

## پیروزی در جنگ ۳۳ روزه و احتیاط بیشتر حاج‌رضوان

پس از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه مغنیه باور داشت اسرائیل به شدت تلاش خود را برای ترور او و سیدحسین نصرالله افزایش می‌دهد. در نتیجه دبیرکل حزب‌الله را در احاطه

## یک فیلم ویدئویی و نخستین ردپا از مغنیه

براساس گفته‌های «مثير داگان» رئیس وقت موساد که «برگمن» در کتاب «تو زودتر بکش» نقل کرده است، مشکل اصلی اسرائیلی‌ها در ابتدای راه این بود که هیچ‌کس نمی‌توانست مغنیه را پیدا کند. اما در جولای ۲۰۰۴ پس از کشته شدن «عالم العوالی» یکی از بلندپایه‌ترین فرماندهان نظامی حزب‌الله در بمب‌گذاری مرسدس بنزش، حزب‌الله یک فیلم یادبود درباره او منتشر کرد که شامل تصاویری از جلسات درون حزبی بود. موساد با تهیه یک نسخه از این فیلم، آن را در ماه دسامبر برای گروهی از کارشناسان واحد ۸۲۰۰ آمان و موساد پخش کرد. در این جلسه که تمام شب به طول انجامید، جز به جز فیلم با دقت واکاوی شد به این امید که به اطلاعات تازه‌ای از دشمن دست پیدا کنند.

روبه‌روی سیدحسین مردی ایستاده بود که چهره‌اش در اغلب لحظات فیلم مشخص نبود، اما در یک لحظه خیلی کوتاه صورتش مشخص شد؛ مردی ریش‌دار، عینکی با یونیفورم نظامی پلنگی و کلاه که داشت درباره نقاط مختلفی از نقشه برای نصرالله توضیحاتی ارائه می‌کرد. چندساعت از شب گذشته بود و صهیونیست‌ها کنار هم در ساختمان مرکزی موساد نشسته و به نمایشگر چشم دوخته بودند که یکی از افسران واحد ۸۲۰۰ فریاد کشید: «خودشه، این مائوریسه!» «مائوریسی» اسم رمز مغنیه بود. حالا صهیونیست‌ها سرنخی از عماد مغنیه داشتند. طی روزهای بعد، طرح‌های مختلفی مطرح شد، از جمله اینکه رد فیلم‌بردار این فیلم را بگیرند و او را به عنوان جاسوس استخدام کنند یا اینکه یک شرکت جعلی تأسیس کنند که کارش تأمین کالاهایی باشد که نیروهای حزب‌الله استفاده می‌کردند؛ چیزهایی از قبیل همان نمایشگر